

نکته‌ها

به‌داد سلیمی و افتخار اش

برترین مردوزنه‌برداری در سال ۲۰۱۰

■ بهداد سلیمی در سال ۱۳۶۸ در قائم‌شهر به دنیا آمد. او در ابتدا ورزش را با رشته ژیمناستیک آغاز کرد و به مدت یک سال هم کشتی می‌گرفت. اما به علت شرایط فیزیکی بدن و وزن خاصی که داشت برخلاف هم‌سن و سالانش نتوانست به سمت فوتبال و کشتی گرایش پیدا بکند و با توصیه دوستانش به سمت وزنه‌برداری رفت و خیلی زود جذب این ورزش شد. وی در شهر زادگاهش زیر نظر قاسم غزالیان تمرین می‌کرد و در رده جوانان با حسین توکلی، کار کرد. بهداد سلیمی در این رشته سنگین به موفقیت‌های فراوانی رسید و چندی بعد به تیم ملی دعوت شد. وی در اردوهای ملی و قهرمانی کشور و بعد هم در تیم ملی بزرگسالان زیر نظر کوروش باقری و حسین رضازاده تمرین کرد.

سلیمی ابتدا در سال ۲۰۰۷ در مسابقات باشگاه‌های آسیا در سوریه نایب قهرمان جوانان شد و بعد در سال۲۰۰۸ با وزن ۱۸۷کیلو در یک ضرب و ۲۲۲ کیلو در دو ضرب در کلمبیا، نفر سوم جوانان جهان شد. یک سال بعد در بخارست با ۱۹۵ کیلو در یک ضرب و ۲۲۸کیلو در دوضرب به عنوان نفر اول و قوی‌ترین جوان وزنه‌برداری دنیا شناخته شد. در همین سال در کره‌جنوبی در مسابقات باشگاه‌های آسیا در رده جوانان، عنوان نایب قهرمانی سال پیش را تکرار کرد و سرانجام در نخستین حضور در سطح بزرگسالان در مسابقات آسیایی قزاقستان با وزن ۱۹۰ کیلو یک ضرب و ۲۳۱کیلو در دو ضرب به مدال طلا رسید و با گذشت یک سال در آنتالیا با ۲۰۸کیلو در یک ضرب و ۲۴۵کیلو در دو ضرب قهرمان جهان شد. بهداد سلیمی وزنه‌بردار ملی‌پوش جمهوری اسلامی ایران در مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی ۲۰۱۰ جهان هم موفق به کسب مدال طلا شد. وی در همین سال و در بازی‌های آسیایی گوانگجو نیز به مدال طلا دست یافت و هشتمین طلای ایران در این دوره از رقابت‌ها را کسب کرد. سلیمی در یک ضرب وزنه ۲۰۵ کیلوگرم را مهار کرد و در دو ضرب وزنه ۲۳۵ و در مجموع ۴۴۰ کیلوگرم را ثبت کرد.

مجله جهانی فدراسیون بین‌المللی وزنه‌برداری هم بهداد سلیمی را به عنوان بهترین وزنه‌بردار جهان در سال ۲۰۱۰ انتخاب کرد. بهداد سلیمی در رقابت‌های وزنه‌برداری قهرمانی بزرگسالان جهان در آنتالیا عنوان قهرمانی را به دست آورد و در بازی‌های آسیایی گوانگجو هم مدال طلای دسته فوق سنگین را به گردن آویخت تا از نگاه کاربران سایت فدراسیون جهانی وزنه‌برداران

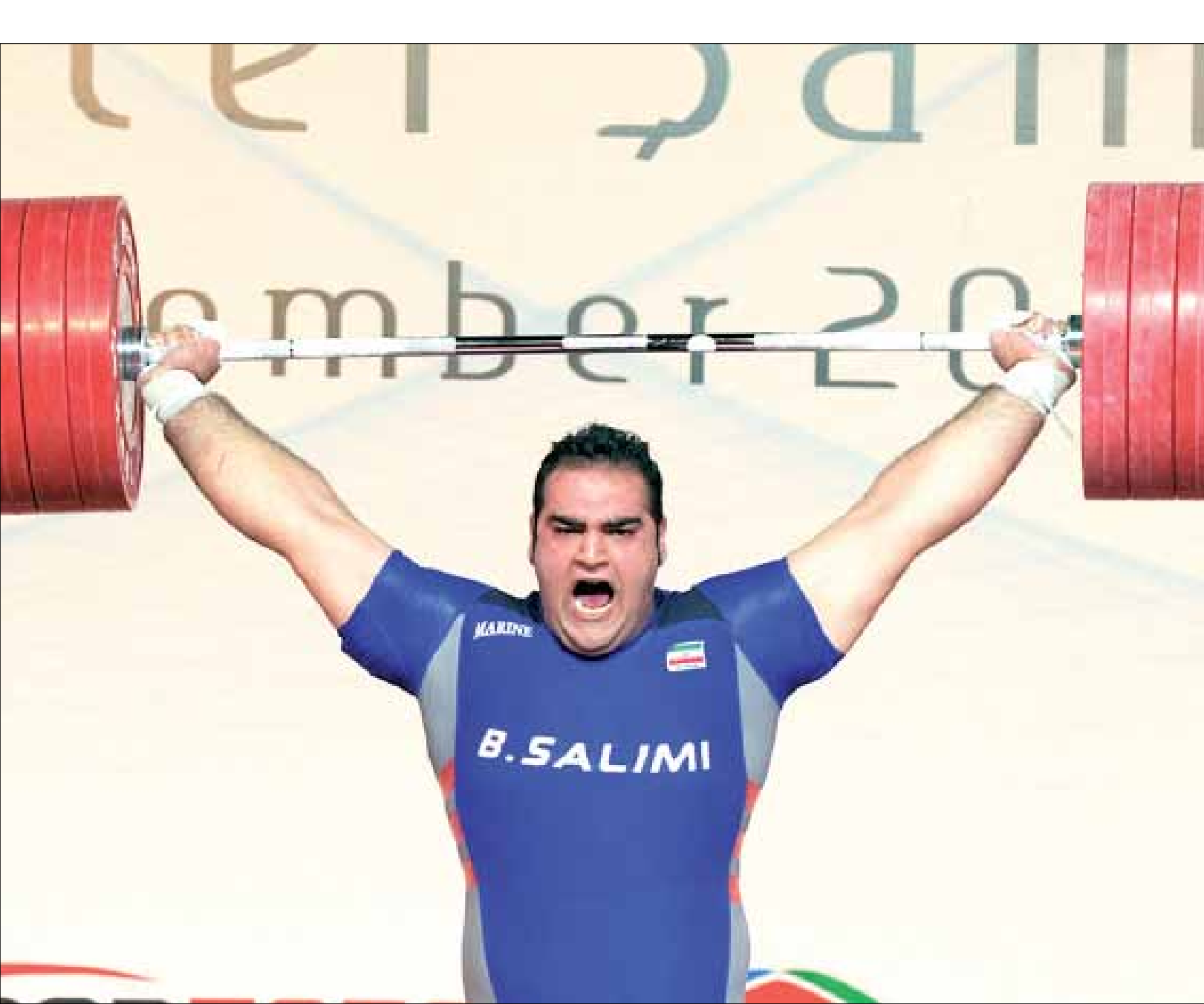


شایسته‌ترین فرد برای معرفی به عنوان بهترین وزنه‌بردار سال ۲۰۱۰ میلادی لقب بگیرد. انتخاب بهترین وزنه‌بردار سال از سوی مجله فدراسیون جهانی وزنه‌برداری و بارای‌گیری از کاربران پایگاه اینترنتی سایت رسمی این فدراسیون صورت می‌گیرد تا در پایان جایزه «بنو بوسکوویچ» به وزنه بردار برتر جهان اهدا شود.

بوسکوویچ یکی از خبرنگاران ورزشی‌نویس کشور مجارستان است که اولین بار ایده انتخاب وزنه‌بردار سال جهان را در سال ۱۹۸۲ مطرح کرد. پیش از این حسین رضازاده سه بار در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ به عنوان بهترین وزنه‌بردار جوان انتخاب شده بود. کوروش باقری در سال ۲۰۰۱ و علی فلاحی‌نژاد نیز در سال ۲۰۰۳ این‌عنوان را به خود اختصاص داده بودند.

سلیمی پس از انتخابش گفت: «از اینکه در حضور بزرگانی نظیر لیاؤو از چین، مار‌تیروسیان از ارمنستان و ایلپا از قزاقستان من به عنوان بهترین وزنه‌بردار سال ۲۰۱۰ جهان انتخاب شدم، واقعا خوشحالم. این افتخار انگیزه زیادی به من می‌دهد تا همچنان بدون احساس خستگی به تمرینات در اردوی تیم‌های ملی ادامه دهم و با توان بیشتر در مسابقات سال آینده برای کشورم افتخار آفرینی کنم برای خودم هم رسیدن به عنوان بهترین وزنه‌بردار سال ۲۰۱۰ جهان در اولین سال حضورم در رده سنی بزرگسالان کمی دور از ذهن بود. من سال ۲۰۱۰ را با هدف قهرمانی در مسابقات جهانی آنتالیا و بازی‌های آسیایی گوانگجو آغاز کردم و برای رسیدن به این اهداف سختی‌های فراوانی را متحمل شدم. هشت ماه حضورم مستمر در اردو و جابه‌جاکردن ده‌ها تن وزنه به من کمک کرد تا به آنچه در ذهن می‌پروراندم برسم و حالا خوشحال از اینکه این عملکرد خوب باعث شده تا به عنوان بهترین وزنه بردار سال ۲۰۱۰ نیز معرفی شوم.»

چهره‌ها



به‌داد سلیمی، قهرمان ۲۱ساله آسیا و جهان از ریز و درشت زندگی اش می‌گوید

از درآمد ناراضی‌ام

حمید قراهانی‌راد

شاید آن زهان که حسین رضازاده نام ایران را در وزنه‌برداری جهانی ثبت کرد و پشت‌سر هم مدال‌های طلای جهانی برای ایران کسب می‌کرد، پیش خودمان می‌گفتیم بعداست دیگر تا سال‌ها چنین اعجوبه‌ای در ورزش‌مان متولد شود، اما از وقتی سر و کله پسر ۳۱ساله قائمشهری در وزنه‌برداری پیدا شده، خیال همه دوباره از کسب مدال‌های طلای دسته سنگین وزن آسیا و جهان راحت شده است؛ بهداد سلیمی به گفته خودش در خواب هم نمی‌دید قهرمان جهان شود، چه بر سده به اینکه فکر کند یک روز بخواهد رکورد اسطوره دوران نوجوانی‌اش را بشکند، اما حالا این کار را هم کرده تا به همه بگوید با رفتن حسین رضازاده، باز هم حرف‌های زیادی در جهان وزنه‌برداری داریم و بگوید ستاره جدیدی در ورزش ایران متولد شده است.

دست‌پخت مادرم نیست و واقعا دلم برای دست‌پختش تنگ‌شده!
خاطرات من ورنو!
اتومبیل من پژو ۴۰۵ است و برخلاف میل باطنی‌ام که خیلی به ماشین‌های شاسی بلند علاقه دارم، از نظر مالی هنوز در حدی نیستم که بتوانم به این خواستهم برسم. برخلاف تصور خیلی‌ها، باید بگویم اتفاقا خاطرات زیادی را از سواری با رنو به همراه دوستانم که از نظر سباز و وزن چیزی کمتر از من ندارند، داشته‌ام که هر وقت یاد آن دوران می‌افتم، خندeam می‌گیردا متأسفانه رشته وزنه‌برداری، از جمله رشته‌هایی است که به نسبت دیگر رشته‌ها از جمله فوتبال، درآمد کمی دارد و آنچنان که باید به آن پرداخته نمی‌شود. به‌نظر من در کشور ما بین رشته‌های ورزشی تبعیض زیاداست و متأسفانه یکسری از ورزش‌ها که خیلی خوب مدال کسب می‌کنند، بسیار کمتر از رشته‌های دیگر درآمدزایی دارند! مطمئن باشید اگر عشق به وزنه‌برداری در رگ‌های ما ایرانی‌ها وجود نداشت، با این وضعیت تا ۴ سال آینده، وزنه‌برداری‌مان برای همیشه تعطیل می‌شد!

چین به اندازه جمعیت ایران وزنه‌بردار دارد!

ما ایرانی‌ها به صورت ژنتیک قدرت بدنی بالایی داریم و تقریبا هم جزو کشورهای سنگین وزن دنیا هستیم. به در زمان‌های مختلف وزنه‌بزنیم یا تمرینات دیگر را انجام دهیم، هنگام مسابقات گوانگجو که مجبور بودم حسابی تمرین کنم، وزنم به ۱۶۰ کیلوگرم رسیده بود که به‌نظر من این وزن برای ورزشکاران دسته سنگین وزن، ایده‌ال است. البته به موقع‌اش هم رژیم غذایی خاص خودم را دارم که وزن کم کنم. تنها آرزویی که شب و روز برای رسیدن به آن تلاش می‌کنم، قهرمانی در المپیک ۲۰۱۲ لندن است، می‌خواهم واقعا ثابت کنم جانشین خوبی برای حاج‌حسین رضازاده هستم.

دلم برای دسته پخت مادرم تنگ شده

من هم مثل همه در طول روز، فقط ۳ وعده غذا می‌خورم، البته زیر نظر سرمربی و پزشک تیمم، از مکمل‌های ورزشی مجاز و پروتئین‌ها هم استفاده می‌کنم. منوی صبحانه‌ما، زمانی که در اردوی تیم ملی هستیم، شامل انواع میوه، شیر، تمرغ‌م، کربوهیدرات‌ها و... است که بر حسب سلیقه آن را انتخاب می‌کنیم، بعد از آن یک‌سری ویتامین می‌خوریم و ناهار هم طبق منوی رستوران است که اغلب کباب را به بقیه ترجیح می‌دهم. بعد از صرف ناهار هم، طبق دستور پزشک، مقداری پروتئین و ویتامین می‌خورم و برای برنامه غذایی شام هم، به همین ترتیب عمل می‌کنم. البته با تمام احترامی که برای آشپزهای تیم‌ملی قائلم و با اینکه غذاهای این‌جا از نظر کمی خوب هستند؛ ولی کیفیت‌شان قابل مقایسه با

زیر وزنه بروم، به هالتر به چشم یک دشمن سخت نگاه می‌کنم که باید حتما شکستش بدهم. البته ما وزنه‌بردارها همیشه می‌گوییم رکورد برای ما نان و آب نمی‌شود، چرا که فقط مدال در خاطر همه می‌ماند. همیشه می‌گفتم رکورد حاج‌حسین خیلی بالاست و رسیدن به این رکورد واقعا دشوار؛ اما می‌دانستم شدنی است.

دوست ندارم رابطه‌مان شرک‌آب شود!

این که در چند وقت اخیر شایعه مشکل و اختلاف بین من و آقای رضازاده به‌وجود آمده، بسیار باعث ناراحتی‌ام شده، چرا که حاج‌حسین، همواره یکی از ارکان اصلی برای رسیدن به موفقیت‌م بوده و با تشویق‌ها و دلگرمی‌های او بوده که جایگاه امروزم را به‌دست آورده‌ام. حتی وقتی رکورد خود آقای رضازاده را هم زدم، اولین کسی که در سالن به من تبریک گفت، خود ایشان بود. اصلا دوست ندارم به‌خاطر حرف و حدیث‌ها و حاشیه‌هایی که اخیرا راجع به رابطه من و آقای رضازاده می‌شنوم که همه‌شان هم بی‌پایه است، بین من و ایشان شرکاب شود! در مورد آقای رضازاده باید بگویم، قبل از اینکه ایشان به وزنه‌برداری کشورمان بیایند، کارنامه آنچنان درخشانی در این رشته نداشتیم، اما بعد از ظهور ایشان بود که وزنه‌برداری ما در جهان شهرت پیدا کرد.

دوست دارم در ورزش بمانم فعلا در رشته تربیت بدنی در حال تحصیل هستم و قصد دارم تا مدارج بالا در این رشته ادامه تحصیل بدهم. تصمیم دارم بعد از پایان دوران حرفه‌ای وزنه‌برداری‌ام، باز هم در همین رشته چه به‌عنوان مربی و چه باهر عنوان دیگری به‌مملکت خدمت کنم.

اصلا از درآمد راضی نیستم

به‌هیچ عنوان از درآمدم به‌عنوان یک ورزشکار ملی‌پوش و قهرمان جهان راضی نیستم، چرا که بالاترین میزان قرارداد لیگ وزنه‌برداری برای من قهرمان جهان است که ۲۲ میلیون تومان است که ۱۰ درصدش هم برای مالیات کاسته می‌شود! حقوق ماهانه‌ام هم که بستگی به عملکردمان در تیم‌ملی دارد، که آن را هم سرمربی تیم‌ملی تشخیص می‌دهد؛ با توجه به میزان حضور در اردو، حقوق‌مان تعیین می‌شود که حداکثرش یک میلیون تومان و حداقلش ۵۰۰ هزار تومان است! در کل به نسبت رشته‌های ورزشی دیگر، پول زیادی در وزنه‌برداری نیست.

برای سعید علی حسینی غصه خوردم

قبل از اینکه بخواهم در مسابقات اخیر رکورد آقای رضازاده را جابه‌جا کنم، یکی از کسانی که همواره در کنارم بود و تشویقم می‌کرد، سعید علی حسینی بود که روز مسابقه هم در سالن حضور داشت و بعد از پایان مسابقه، شخصا به من تبریک گفت، وقتی این صحنه برایم اتفاق افتاد، خیلی برای سعید غصه خوردم!

هنوز یک ساعت نگذشته بود که...

هنوز یک ساعت از اتمام مسابقه‌ام نگذشته بود که یک‌سری شایعه در سالن پیدچیده بود، مبنی بر اینکه بهداد سلیمی دوپینگ کرده و حاضر نشده تست دوپینگ بدهد و...! اما خود من بارها برای دادن تست دوپینگ اعلام آمادگی کرده‌ام، اما هیچ کدام از مسوولان مربوطه، برای این کار اقدامی نکرده‌اند! من به خودم و مربیانم اطمینان کامل دارم و همین الان هم برای دادن تست آماده‌ام.

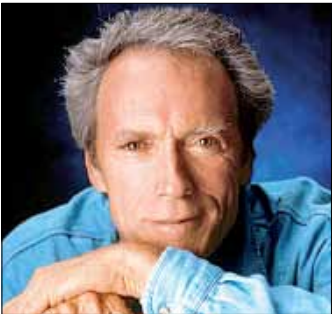
سوپر استار

زندگی‌نامه کلینت ایستوود

بازیگر – کارگردان پول‌ساز

■ کلینت ایستوود در سی‌ویکم ماه مه ۱۹۳۰ در سانفرانسیسکو ی ایالات متحده متولد شده و گفتنی است که در رگ‌های کلینت خون اسکاتلندی و هلندی جریان دارد. پدرش هلندی تبار و مادرش اسکاتلندی بودند. کلینت که عزیز در دانه خانواده بود به بهترین مدرسه سانفرانسیسکو فرستاده شد. در مدرسه واحد آموزش بازیگری داشت. دیوید کهر، استاد وی شد و به این ترتیب کلینت از همان دوران ابتدایی با بازیگری آشنا شد. وی با علاقه و استعدادی که داشت در چندفیلم و سریال نقشی کوچکی ایفا کرد. او توانست در فیلم سواحل سانفرانسیسکو نقش یک بچه کارگر را به خوبی اجرا کند.

کلینت نوجوان هدف بزرگی را دنبال می‌کرد. او می‌خواست پسا در عرصه سینما بگذارد. بنابراین تصمیم گرفت برای تحصیل در دبیرستان راهی شهر هنر هفتم، لس آنجلس شود. پدرش در یک آپارتمان دانشجویی برای کلینت اتاقی اجاره کرد تا در لس آنجلس را حتی به تحصیل علم و هنر بازیگری بپردازد. او با ورود به مدرسه هنر پیشگی در لس آنجلس تازه متوجه شد از این هنر چیزی نمی‌داند، اما ناامید نشد و با بازی در چند تئاتر خیابانی



به تجربیاتش افزود و چند نقش کوچک و پیش پاافتاده در فیلم‌هایی چون «جراغ» و «شهر آشوبگران» بازی کرد. ایستوود در سال ۱۹۵۱ با ۲۱ سالگی و در زمان جنگ کره به ارتش فراخوانده شد و برای آموزش‌های مقدماتی به کالیفرنیا رفت. او ترجیح می‌داد به کره برود اما خانواده‌اش او را از این کار منصرف کردند و او برای خدمت در بخش بمبافکن‌های نیروی دریایی مجدداً به ارتش پیوست. اما چندی بعد به این خاطر که زمانی که هواپیمایش سقوط کرده و در دریا فرود آمده بود مایل‌ها را شنا کرده به عنوان معلم شنا به خدمت گرفته شد. او شب‌های تعطیلات آخر هفته به عنوان مامور انتظافات در یک کلوپ کار می‌کرد. بعد از ترخیص از سربازی در سال ۱۹۵۳ در دانشگاه مشغول تحصیل در رشته درام شد.

ابتدا کارش را در فیلم‌های رده ب آغاز کرد و اولین موفقیتش در مجموعه تلویزیونی «روهاید» بود. ایستوود پس از این مجموعه، بازی در نقش‌های مشهورش به عنوان مرد بدون نام در سه‌گانه سر جیو لئونه، «به خاطر یک مشت دلار» (۱۹۶۴)، «به خاطر چند دلار بیشتر» (۱۹۶۵) و «خوب، بد، زشت» (۱۹۶۶) را انجام داد. این سه فیلم و مخصوصاً فیلم سوم بسیار پر فروش شدند و ایستوود یک ستاره بین‌المللی شد. او شخصیت بازیگر خود را در هالیوود فقط به عنوان یک کابوی نگه نداشت و در سال ۱۹۷۱ با بازی در نقش (هری کثیف) ژانر جدیدی در فیلم‌های پلیسی بنا نهاد. شخصیت (هری کثیف) پلیسی بود که برای اجرای قانون از کارهای غیرقانونی استفاده کرد. در آن زمان با (کساناتویس) هنرپیشه هالیوود ازدواج کرد و صاحب فرزند بی‌نام (کیمبر) شد. اما این ازدواج بی‌نام و بی‌س (کیمبر) از جدایی، با (مگی جانسون) آشنا شد و پیمان زندگی مشترک بست. دو فرزند به نام‌های (تایللی) و (السون) ثمره این ازدواج بود. اما این ازدواج هم دوام نداشت وی پس از جدایی از (مگی جانسون)، با (دنایوز) آشنا شد و با وی ازدواج کرد. کاترین و اسکاتر نیز ثمره ازدواج او با دنیا است. وی تاکنون پنج‌بار از دواج کرده و از این ازدواج ۹ فرزند دارد. وی در حال حاضر با (دنایوز) زندگی می‌کند و از داشتن فرزندان متعدد احساس رضایت دارد. در ضمن دو فرزندخوانده به نام‌های (فرانچسکا) و (مورگان) نیز دارد. بزرگ‌ترین موفقیت (کلینت ایستوود) در سال ۱۹۹۵ با دادن اسکاری به دیگر به او برای ۲۰۰۴ (عزیز میلیون دلاری) هر بار موفق شد جایزه اسکار بهترین کارگردان و بهترین تهیه‌کنندگی را از آن خود کند. آکادمی اسکار در سال ۱۹۹۵ با دادن اسکاری به دیگر به او برای کار تهیه‌کنندگی از او تشکر کرد.

